بهبود سازگاری اجتماعی کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی با توسعهٔ منطقهٔ تقریبی رشد در بستر نمایش خلاّق

دکتر حسین مرادی مخلص[۱]،
مریم هوشمندی شجاع[۲]، دکتر وحید صالحی[۳]

تاریخ دریافت.: ۱۳۹۶/۲/۳۱ تجدیدنظر: ۱۳۹۶/۷/۵
پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۴/۴

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، بررسی اثربخشی روش نمایش خلاّق بر سازگاری اجتماعی کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی با توسعهٔ منطقهٔ تقریبی رشد بود. **روش:** پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود. نمونهٔ آماری پژوهش را ۳۰ نفر تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس شرایط پزشکی (آیا کودک دارو مصرف می‌کند یا خیر؟) و پس از رضایت والدین، انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه اول (کنترل) با روش سخنرانی و گروه دوم (آزمایش) با روش نمایش خلاّق آموزش دیدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامهٔ سنجش سازگاری اجتماعی محقق ساخته با ۲۸ سؤال در طیف لیکرت بود. پرسشنامهٔ مذکور ۴ حیطهٔ سازگاری کودکان شامل: الف) مشارکت در کار گروهی، ب)رعایت حقوق دیگران، ج) اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه یا جامعه و د) تعهد و احترام به خانواده و دوستان را موردسنجش قرار می‌داد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون آماری تحلیل کوواریانس استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان تأثیر روش آموزش سخنرانی و روش نمایش خلاّق بر سازگاری اجتماعی (در هر ۴ حیطه) کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی، تفاوت معناداری به نفع روش نمایش خلاّق وجود دارد ($p\leq$.۰۵). **نتیجه‌گیری:** برای بهبود سازگاری اجتماعی کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش فعالی، بهتر است از روش آموزش نمایش خلاّق نسبت به روش سخنرانی بیشتر استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: *نمایش خلاّق، اختلال کم‌توجهی، بیش‌فعالی، سازگاری اجتماعی، منطقهٔ تقریبی رشد.*

۱.**نویسندهٔ مسئول:** استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی.
۲.کارشناس ارشد علوم تربیتی، دانشگاه سیدجمال‌الدین اسدآبادی
۳.استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه سید جمال‌الدین اسدآبادی.

Improving the Social Adjustment of Children with Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder by Expanding the Zone of Proximal Development in the Context of Creative Drama

Hossein Moradimokhles, Ph.D.[1], Maryam Houshmandi Shoja, M.A.[2], Vahid Salehi, Ph.D.[3]

Received: 21. 05.2017 Revised: 09.20.2017 Accepted: 04.25.2018

Abstract

Objective: The present study aimed to examine the effectiveness of creative drama on the social adjustment of children with attention-deficit/ hyperactivity disorder (ADHD) by expanding the zone of proximal development. **Method:** This controlled quasi-experimental study used the pretest-posttest design. The sample included 30 participants selected through convenience sampling and based on medical conditions (whether they took medications or not) with their parents' permission and then randomly assigned to experimental and control groups (n=15 each). The experimental group was taught using creative drama and the control group was instructed using lectures. The data collection instrument was a researcher-made 28-item social adjustment questionnaire scored on a Likert scale. The questionnaire measured four areas of social adjustment in children, including a) participating in group work, b) respecting the rights of others, c) belief in the values and ethics of the group or community, and d) commitment to and respect for family and friends. ANCOVA was applied for data analysis. **Results:** Results indicated that there is a significant difference between the effects of lecture and creative drama in favor of creative drama on all four areas of social adjustment in children with ADHD ($p<0.05$). **Conclusion**: It is better to use creative drama compared to lectures in order to improve the social adjustment of children with ADHD.

Keywords: *Attention-deficit/hyperactivity disorder, creative drama, social adjustment, zone of proximal development*

1.Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Sayyed Jamaleddin Asadabadi University, Asadabad, Iran. **Email:** hmmkh2000@yahoo.com
2.M.A. of Educational Sciences, Sayyed Jamaleddin Asadabadi University, Asadabad, Iran
3.Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Sayyed Jamaleddin Asadabadi University, Asadabad, Iran

مقدمه

اختلال بیش‌فعالی همراه با کم‌توجهی (ADHD)[1] یکی از شایع‌ترین اختلالات عصبی-رفتاری در کودکان است. شیوع این اختلال را در میان کودکان دبستانی، ۳ تا ۶ درصد تخمین زده‌اند. این اختلال در پسرها ۳ تا ۹ بار بیشتر از دختران است (کنگرلو، لطفی کاشانی‌فر، وزیری، ۱۳۹۱). ADHD یک اختلال چندعاملی ناشناخته است، اما می‌توان به نقش عوامل روانی- اجتماعی، بیولوژیک، ژنتیک و عوامل محیطی در آن اشاره کرد (کاظمی، نیک‌یار، نجفی، ۱۳۹۵). راهنمای تشخیص آماری اختلالات روانی (DSM)، برای این اختلال سه زیرگروه مطرح می‌کند: عمدتاً بی‌توجه، عمدتاً بیش‌فعال، و مرکب (ترکیبی از دو گروه بیش‌فعال و کم‌توجه) (بارکلی، ۲۰۰۶). کودکان مبتلا علاوه بر سه نشانهٔ بالا، دارای انواع مشکلات ثانویه نیز هستند. مهم‌ترین این مشکلات عبارت‌اند از: سطح پایین کارآمدی تحصیلی، نارسایی‌های خاص شناختی و فراشناختی، اختلال روابط خانوادگی، رفتارهای ضداجتماعی و طردشدگی از سوی همسالان (بهروز، علی‌آبادی، یزدخواستی، ویسی، ۱۳۹۱). برخی متخصصان بر این عقیده‌اند که مشکلات اجتماعی نیز در این کودکان باید یک ویژگی شاخص در تشخیص این اختلال به‌حساب آید (شلانی، کرم، مؤمنی، ۱۳۹۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای این اختلال، به‌طور معناداری از کودکان بدون اختلال پایین‌تر است (کوثری و علیزاده، ۱۳۸۹)؛ به‌طوری‌که ۸۲-۵۲ درصد این کودکان با مشکلات اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند (حکیمی‌راد، افروز، به‌پژوه، غباری‌بناب، ارجمندنیا، ۱۳۹۲). بر همین اساس، این کودکان با مسائل و مشکلاتی در حیطهٔ سازگاری اجتماعی مواجه‌اند. سازگاری عبارت است از نشان دادن واکنش‌های مناسب به محرک‌های محیطی به‌نحوی‌که برای خود فرد یا دیگران و یا هر دو مفید باشد و فرد بتواند انتظارات خود و دیگران را برآورده کند (نما، بانسل، ۲۰۱۵). از آنجا که این کودکان در برخی موارد حتی از کودکان پرخاشگر نیز بیشتر مورد تنفر همسالان هستند، رشد و بهبود سازگاری اجتماعی در زندگی این کودکان دارای اهمیت بسیار زیادی است (شلانی و همکاران، ۱۳۹۵).

عمده‌ترین روش‌های درمانی که بیشترین تأثیر را بر کودکان بیش‌فعال گذاشته است عبارت‌اند از: ۱. دارودرمانی، ۲. مشاوره و آموزش والدین و ۳. بهره‌گیری از روش‌های آموزش فنون و مهارت اجتماعی به این کودکان (بارکلی، ۲۰۰۶). با اینکه این کودکان با کودکان عادی متفاوت هستند، با بهره‌گیری از آموزش‌های خاص (راه‌حل سوم) همچون نمایش خلاّق، می‌توان موجب نتایج چشمگیر در مهارت‌ها و سازگاری اجتماعی آنان شد.

نمایش، جزئی از طبیعت و شخصیت انسان در سنین کودکی است. در حقیقت، نمایش شبیه به بازی است؛ تا آنجا که به اعتقاد بسیاری از روان‌شناسان کودک، اصل نمایش، بازی است (ساکا، ابینزر، ساکر، ۲۰۱۶). همهٔ کودکان در همه جای دنیا و با هر فرهنگ و آداب و رسومی، بیشترین وقت فراغت خود را به بازی می‌گذرانند. نمایش می‌تواند برای کودک، پدیدآورندهٔ رفتار مناسب، اخلاق نیکو، دیدن درست پیرامون خود، حس نوع‌دوستی و درنهایت کمک به او در ایجاد ارتباط صحیح با دنیای اطراف خود باشد (جعفری، ۱۳۹۱). کارشناسان تئاتر کودک و نوجوان از گونه‌ای از نمایش نام می‌برند که نمایش خلاّق است. در اصطلاح، نمایش خلاّق به‌صورت فرایند بازی‌گونه‌ای تعریف‌شده که در یک گروه اجرا می‌شود و هریک از اعضا با الهام از زندگی واقعی، نقشی را بر عهده می‌گیرند (ادی‌گوزل و تیموسین، ۲۰۱۰). هدف اصلی این نمایش‌ها «پرورش» است، نه «نمایش». بازی‌های نمایشی مورد استقبال کودکان قرار می‌گیرند (جعفری، ۱۳۸۹). سنگان و اسکندروگولا (۲۰۱۰) نمایش خلاّق را این‌گونه تعریف می‌کند: نمایش غیررسمی که توسط شرکت‌کنندگان ایجاد

شده، روشی برای یادگیری، ابزاری برای بیان خود، یک فن درمانی، یک فعالیت اجتماعی و یا نوعی هنر است. کودکان به‌وسیلهٔ نمایش خلاّق، صحنه، رویداد و واقعهٔ برخاسته از ادبیات کودکان را با هدایت آموزگار خلق یا بازآفرینی می‌کنند (چمبرز، ۲۰۰۶). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نمایش خلاّق بر رشد مهارت‌های ارتباط اجتماعی دانش‌آموزان معلول (اربی و دوگرو، ۲۰۱۰)، بر بهبود نوشتن دانش‌آموزان (بایرکتار و اوکوران، ۲۰۱۲)، در آموزش نظریه‌های رشد و یادگیری به دانش‌آموزان (ادی‌گوزل و تیموسین، ۲۰۱۰)، خلاقیت کودکان (عبدی قشلاق و پویامنش، ۱۳۹۳)، سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاقی و خلاقیت دانش‌آموزان (مامی و امیریان، ۱۳۹۵)، و تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان (جعفری، ۱۳۹۱) مؤثر بوده است. نتایج پژوهش نریمانی، بیابانگرد، (۱۳۸۵) نشان داد که روش نمایش می‌تواند برای کاهش افکاری که موجب برانگیختگی رفتارهای خشن می‌شوند، مورداستفاده قرار گیرد. نتایج پژوهش دورودیان (۱۳۹۰) حاکی از آن بود که ایفای نقش، بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان حساب‌نارسای دبستانی تأثیر دارد. نریمانی، بیابانگرد، رجبی (۱۳۸۵) در پژوهش خود به بررسی کارآمدی روش نمایشگری بر بهبود بخشی مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس دانش‌آموزان نارساخوان دبستانی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که روش نمایشگری، مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس دانش-آموزان نارساخوان را افزایش می‌دهد. آنان معتقدند که شرکت کودکان حساب‌نارسا در ایفای نقش گروهی، موجب پرورش و توسعهٔ توانایی‌های فردی در قلمروی زندگی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تقسیم‌کار، همکاری و تعاون می‌شود.

پرورش و تحول اجتماعی کودکان را باید از کارکردها و مزیت‌های نمایش خلاّق دانست. درواقع، فراگیری مهارت‌های اجتماعی، مهم‌ترین هدف نمایش خلاّق است (اربی و دو گرو، ۲۰۱۰). نمایش خلاّق ازلحاظ نظری در راستای نظریهٔ منطقهٔ تقریبی رشد ویگوتسکی است. منظور از منطقهٔ تقریبی رشد، تفاوت بین سطح کنونی یا سطح رشد واقعی کودک و سطح رشد بالقوهٔ اوست. به عبارت ساده‌تر، منطقهٔ تقریبی رشد به دامنه‌ای از تکالیف گفته می‌شود که کودک به‌تنهایی از عهدهٔ انجام آن‌ها برنمی‌آید، اما به کمک دوستان و همبازی‌های خود قادر است آن‌ها را انجام دهد (سیف، ۱۳۹۰). ویگوتسکی بر این باور است که یادگیری در این منطقه صورت می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، منظور از منطقهٔ تقریبی رشد، لایه‌ای از مهارت یا دانش است که کمی برتر از دانش و مهارت فعلی کودک است و کودک می‌تواند با کمک دیگران به آن سطح دست یابد. نکتهٔ مهم در مورد منطقهٔ تقریبی رشد، ایدهٔ حل مسئله است؛ به این معنی که کودک دارای توانایی بالقوه برای حل بخشی از مسئله به‌صورت مستقل است و بخشی را نیز می‌تواند تحت نظارت و راهنمایی دیگران (بزرگسالان یا همسالان) بهتر حل کند. در نظریهٔ منطقهٔ تقریبی رشد، افراد بزرگسال درروند یادگیری کودک نقش کلیدی دارند و با انتخاب روش‌های یادگیری مناسب، به بالا بردن سطح یادگیری او کمک می‌کنند. می‌توان گفت مبنای این نظریه، تعامل اجتماعی (جوهر اصلی نظریات ویگوتسکی) است که بر پایهٔ آن، کودک با کمک دیگران (بیشتر والدین) می‌آموزد چگونه بعضی مهارت‌ها را کسب کند یا به حل مسئله بپردازد. به‌عبارت‌دیگر، تعامل اجتماعی کودک با بزرگسالان این امکان را برای او فراهم می‌کند که قبل از به‌دست آوردن ظرفیت ذهنی لازم برای تصمیم‌گیری در مورد فعالیت‌هایش، بتواند فعالیت‌های پیچیده‌ای انجام دهد تا به‌تدریج رفتارهای منظم بزرگسالان در زمینه‌های تعاملی، جزئی از رفتارهای او شود (رشتچی، ۱۳۸۹).

روش نمایش خلاّق دارای مراحل زیر است:

۱. داستان مناسب برای اجرای نمایش و بازگو کردن آن در کلاس انتخاب می‌شود.

۲. طرح اصلی داستان با کمک کودکان به صحنه‌های قابل اجرا تقسیم و توسط معلم روی تخته نوشته می‌شود.

۳. یک یا چند صحنه برای اجرا انتخاب می‌شود.

۴. در مورد صحنه یا صحنه‌ها، وضع ظاهری صحنه، انگیزه‌ها، شخصیت‌پردازی، زمان و ... در کلاس بحث می‌شود و معلم به کودکان کمک می‌کند که تصویر ذهنی بسازند.

۵. معلم بازیگران را انتخاب می‌کند و آن‌ها را برای بحث و برنامه‌ریزی در مورد جزئیات اجرای کار و زمان بازی آزاد می‌گذارد.

۶. معلم از کودکان می‌خواهد که به ایفای نقش دوستانشان توجه کنند؛ چراکه ممکن است تکرار بخشی از وانمود بازی به عهدهٔ آن‌ها باشد.

۷. از کودکان خواسته می‌شود از میان بازی‌دوستانشان، ۵ نکتهٔ موردعلاقه و ۵ نکته‌ای که باید اصلاح شود را پیدا کنند.

۸. معلم از کودکان می‌خواهد که نمایش را آغاز کنند و تا پایان ادامه دهند.

۹. پس از پایان نمایش و پیوستن بازیگران به جمع، کودکان به ارزیابی می‌پردازند.

۱۰. پس از گزینش بازیگران جدید و راهنمایی دانش‌آموزان بر اساس ارزیابی صورت گرفته، صحنه تکرار می‌شود (آقاعباسی،۱۳۹۰).

اگرچه بیشترین پژوهش‌هایی که در ارتباط با نمایش خلاّق در کشور ما صورت گرفته، در حوزهٔ اثربخشی نمایش خلاّق بر خلاقیت کودکان بوده است، شاید بتوان گفت نمایش خلاّق به جهت دارا بودن ویژگی‌هایی نظیر استوار بودن بر کار گروهی، کودکان را قادر می‌سازد تا نظم، خویشتن‌داری و همکاری و همیاری با یکدیگر را بیاموزند و در منطقهٔ تقریبی رشد، یادگیری خود را بهینه و اثربخش کنند (بیانلو، ۱۳۸۷). به عبارتی، در این بازی‌ها کودکان به کارهای مشترک و جمعی می‌پردازند، محیط زندگی و عوامل تشکیل‌دهندهٔ آن را شناسایی می‌کنند، افکار و تخیلات خود را با افکار و تخیلات همبازی خود می‌آمیزند و از ایفای نقش‌هایی که به زندگی گروهی مربوط می‌شود، به رضایت می‌رسند (قاسمیان، ۱۳۸۷). بدین ترتیب، این روش می‌تواند با افزایش قدرت منطقهٔ تقریبی رشد، در حوزهٔ افزایش مهارت-های اجتماعی کودکان بیش‌فعال نیز مؤثر واقع شود؛ کودکانی که معمولاً نافرمان و قانون‌شکن هستند و در ارتباط با همسالان، رفتارهای جامعه پسند کمتری از خود نشان می‌دهند. درنتیجه، این ویژگی مانع برقراری رابطهٔ درست با همسالان می‌شود (امیری، ۱۳۹۵). از سویی پتروس ، هورک، آمورسون، تارل، لی،(۲۰۱۷) مهم‌ترین نتایج منفی این ناهنجاری را مشکلات تحصیلی، رفتاری، اجتماعی و خانوادگی عنوان می‌کنند. با توجه به مطالب و پژوهش‌های بالا، مشاهده می‌شود که نمایش خلاّق می‌تواند با توسعهٔ منطقهٔ تقریبی رشد بر مهارت‌هایی همچون نظم پذیری، همکاری و مهارت‌های اجتماعی کودکان تأثیرگذار باشد. در این راستا، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا تأثیر نمایش خلاّق بر مؤلفه‌های تشکیل دهندهٔ سازگاری اجتماعی کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی موردبررسی قرار گیرد.

در این پژوهش، پنج فرضیه مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت:

فرضیهٔ اول: نمایش خلاّق موجب افزایش سازگاری اجتماعی در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.

فرضیهٔ دوم: نمایش خلاّق موجب افزایش مشارکت در کارهای گروهی در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.

فرضیهٔ سوم: نمایش خلاّق موجب افزایش اصل رعایت حقوق دیگران در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.

فرضیهٔ چهارم: نمایش خلاّق موجب افزایش اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.

فرضیهٔ پنجم: نمایش خلاّق موجب افزایش تعهد به خانواده و دوستان در کودکان دارای اختلال کم-توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود. نمونهٔ آماری پژوهش را ۳۰ نفر تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری در دسترس و بر اساس شرایط پزشکی (آیا کودک دارو مصرف می‌کند یا خیر؟) و پس از رضایت والدین، انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه کنترل و آزمایش (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. برای سنجش میزان سازگاری اجتماعی کودکان بیش‌فعال، از پرسشنامهٔ سنجش سازگاری اجتماعی محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه ۲۸ سؤال (۷ سؤال برای سنجش هر حیطهٔ رفتار سازگاری اجتماعی) با طیف پنج‌گزینه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم، اصلاً) داشت که به ترتیب نمرهٔ ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ به آن‌ها تعلق می‌گرفت. پرسشنامهٔ مذکور ۴ حیطهٔ سازگاری کودکان شامل: الف) مشارکت در کار گروهی، ب) رعایت حقوق دیگران، ج) اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه یا جامعه، و د) تعهد و احترام به خانواده و دوستان را موردسنجش قرار می‌داد. برای بررسی روایی محتوایی، پرسشنامهٔ اولیه (شامل ۳۲ سؤال) در اختیار ۵ نفر از متخصصان (۵ معلم ابتدایی و ۳ کارشناس قصه‌گویی) قرار داده شد و پس از انجام اصلاحات موردنظر و حذف سؤالات اضافی، روایی آن از دیدگاه متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین میزان پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ، مقدار قابل‌قبول ۰/۸۲ محاسبه شد. نمرات پیش‌آزمون از هر دو گروه کنترل و آزمایش به شیوهٔ پاسخ‌دهی والدین دانش‌آموزان به پرسشنامهٔ محقق ساختهٔ سازگاری اجتماعی به دست آمد. سپس، گروه اول (کنترل) با روش سخنرانی و گروه دوم (آزمایش) با روش نمایش خلاّق آموزش دیدند. داستان‌های انتخابی با نام‌های بازی، زنگ نقاشی، قانون‌شکنی، وسایل شخصی، دوست داشتن و دوست نداشتن، لجبازی، خوشبختی، و پرخاشگری طی ۸ جلسهٔ ۲ساعته (برای هر حیطهٔ سازگاری اجتماعی، ۲ داستان) برای گروه آزمایش طبق مراحل اجرای روش نمایش خلاّق اجرا شد. داستان‌های مذکور برگرفته از کتاب «نمایش خلایق: قصه‌گویی و تئاترهای کودکان و نوجوانان» (آقاعباسی، ۱۳۹۰) بود. در ابتدا نقش‌های موجود در هر داستان توسط معلم و با مشارکت دانش‌آموزان، به هر یک از کودکان اختصاص داده شد. سپس، دانش‌آموزان به اجرای نمایش بر اساس نقش‌های خود پرداختند. محتوای داستان‌های نمایشی جلسات مختلف و حیطه‌های مرتبط با آن بدین صورت می باشد:

- جلسه اول با عنوان داستان"بازی" در حیطه مشارکت در کارگروهی می باشد. محتوای داستان آن با بازی دانش‌آموزی به نام علی در مدرسه و بهانه-گیری، عدم همکاری و مشارکت او با دانش‌آموزان دیگر و از دست دادن دوستانش شروع می شود.
- جلسه دوم با عنوان داستان "زنگ نقاشی"در حیطه مشارکت در کارگروهی می باشد. محتوای داستان آن با شرکت دانش‌آموزان در نظافت کلاس درس پس از زنگ نقاشی و عدم همکاری پسری به نام احمد در این کار و در پایان شرمندگی او از این مسئله ادامه می یابد
- جلسه سوم با عنوان داستان «قانون شکنی» در حیطه رعایت حقوق دیگران می باشد. محتوای داستان آن درباره شیطنت، قانون‌شکنی و ایجاد مزاحمت پسری به نام حسنی که پس‌ازآنکه اتفاق ناگواری برایش می‌افتد و دوستانش به وی کمک می‌کنند، از کردهٔ خود پشیمان می‌شود و قول می‌دهد که دیگر برای دیگران مزاحمت ایجاد نکند و به قوانین احترام بگذارد، می باشد.
- جلسه چهارم با عنوان داستان «وسایل شخصی» در حیطه رعایت حقوق دیگران می باشد. محتوای داستان آن درباره داستان پسری به نام اهورا است که

بدون اجازه به وسایل دیگران دست می‌زند، اما هنگامی‌که مادرش برای او یک ماشین اسباب‌بازی می‌خرد و برادرش بی‌اجازه با ماشین او بازی و ماشین را خراب می‌کند، او به اشتباه خود پی می‌برد و تصمیم می‌گیرد از این پس بدون اجازه به وسایل دیگران دست نزند.

- جلسه پنجم با عنوان داستان "دوست داشتن یا دوست نداشتن"در حیطه اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه و جامعه می باشد. محتوای داستان آن درباره دو دوست به نام‌های سعید و صادق تصمیم می‌گیرند که با یکدیگر بازی‌دوست داشتن و دوست‌نداشتن را انجام دهند. آن‌ها خصوصیاتی مانند تمیز بودن، راست‌گویی و ... را دوست دارند و از کارهایی مانند دروغ‌گویی، دعوا کردن و ... متنفر هستند. آن‌ها در پایان متوجه می‌شوند که ازنظر اخلاقی شباهت‌های زیادی باهم دارند.

- جلسه ششم با عنوان داستان «لجبازی» در حیطه اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی گروه و جامعه می باشد. محتوای داستان آن بدین شکل می باشد: پسری به نام امید که همواره با پدر، مادر و معلمش لجبازی می‌کند، روزی به هنگام خرید در یک مغازه برای اینکه برایش یک ماشین گران قیمت بخرند لج می‌کند. این مسئله باعث عصبانیت صاحب مغازه می‌شود؛ به‌گونه‌ای که دیگر هیچ ماشینی به او نمی‌فروشد و مادرش نیز تصمیم می‌گیرد هیچ‌وقت او را به پارک نبرد. درنهایت، امید از لجبازی کردن پشیمان می‌شود و قول می‌دهد که پسر خوبی باشد.

- جلسه هفتم با عنوان داستان " خوشبختی"در حیطه تعهد به خانواده و دوستان می باشد. محتوای داستان آن بدین شکل می باشد: داستان دختری به نام سارا که از مادرش می‌آموزد برای خوشبختی باید تلاش کند، از خوشبختی دوستانش خوشحال شود، از معلمش به خاطر کارهای خوبی که به او یاد داده تشکر کند و ... . او نیز در کلاس به دوستانش کمک و از معلمش تشکر می‌کند. به همین دلیل، در مدرسه به او جایزه می‌دهند.

- جلسه هشتم با عنوان داستان «پرخاشگری» در حیطه تعهد به خانواده و دوستان می‌باشد. محتوای داستان آن بدین شکل می باشد: داستان پسری به نام سعید که منتظر پدرش است تا بیاید و او را به پارک ببرد. پدر دیر کرده و سعید عصبانی می‌شود و شروع به پرخاشگری می‌کند. مادرش به او توضیح می‌دهد که به‌جای عصبانی شدن، می‌تواند کارهای دیگری انجام دهد. او نیز پس از اندکی فکر کردن تصمیم می‌گیرد برنامه کودک ببیند.

پس از اتمام جلسات آموزشی، والدین دانش‌آموزان هر دو گروه کنترل و آزمایش در معرض اجرای پس‌آزمون قرار گرفتند و در نهایت، نتایج آزمون با استفاده از نرم‌افزار Spss نسخهٔ ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.**یافته‌ها**

با توجه به اینکه پژوهش از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با دو گروه کنترل و آزمایش بود، برای تحلیل داده‌ها و همچنین کنترل اثر پیش-آزمون از روش تحلیل کوواریانس استفاده شد. برای استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس، پیش‌فرض‌های نرمال بودن توزیع نمرات، همگنی واریانس‌ها و همگنی شیب رگرسیون موردبررسی قرار گرفت.

برای بررسی نرمال بودن توزیع نمرات از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف[۲] استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد که توزیع نمرات متغیر سازگاری اجتماعی و مؤلفه‌های آن نرمال است (sig>۰/۰۵). همچنین، برای بررسی همگنی واریانس گروه آزمایش در مرحلهٔ پس‌آزمون، از آزمون لوین استفاده شد. نتایج آزمون لوین در مورد متغیر سازگاری اجتماعی (f=۰/۲۴ , p=۰/۶۳) و مؤلفه‌های آن یعنی اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی (f=۰/۱۲ , p=۰/۷۲)، مشارکت در کارهای گروهی (f=۱/۱, p=۰/۲۸)، تعهد به خانواده و دوستان (f=۰/۳۲ , p=۰/>۰/۵۷)، و رعایت حقوق دیگران (f=۰/۵۱ , p=۰/۴۷) تأیید شد.

برای بررسی همگنی شیب رگرسیون، مقدار f تعامل بین متغیر همپراش (پیش‌آزمون) و متغیر مستقل محاسبه شد. ازآنجایی‌که این شاخص معنادار نبود (p>۰/۰۵)، پیش‌فرض همگنی شیب رگرسیون نیز تأیید شد (f=۰/۷۵, p=۰/۳۲).

در ادامه به بررسی هر یک از فرضیه‌های پژوهش می‌پردازیم:

فرضیهٔ اول: نمایش خلاّق موجب افزایش سازگاری اجتماعی در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود. به‌منظور آزمودن اثر مداخله‌ای نمایش خلاّق بر سازگاری اجتماعی کودکان بیش‌فعال / کم‌توجه، ابتدا اثر پیش‌آزمون به‌عنوان عامل مؤثر تعدیل شد و سپس، آزمون تحلیل کوواریانس بین گروهی میانگین پس‌آزمون مورد استفاده قرار گرفت.

در جدول ۱، نتایج تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ سازگاری اجتماعی کودکان بیش‌فعال ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر سازگاری اجتماعی کودکان بیش‌فعال (N = 30)

منبع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازهٔ اثر
پیش‌آزمون	۰/۲۸	۱	۰/۰۲۸	۱/۴۲۳	۰/۲۴۳	۰/۰۵۰
گروه	۵/۶۲۳	۱	۵/۶۲۳	۲۸۱/۳۰۸	۰/۰۰۱	۰/۹۱۲
خطا	۰/۵۴۰	۲۷	۰/۰۲۰			
مجموع	۲۵۲/۳۷۹	۳۰				
مجموع تصحیح‌شده	۱۲/۵۵۶	۲۹				

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، اثر مداخله (نمایش خلاّق) بر سازگاری اجتماعی کودکان بیش‌فعال معنادار است (p=۰/۰۰۱ , f=۲۸۱/۳۰۸). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نمایش خلّاق توانسته است میزان سازگاری اجتماعی را در کودکان بیش‌فعال افزایش دهد. همچنین مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که ۹۱ درصد از تغییرات (سازگاری اجتماعی) ناشی از متغیر مستقل یعنی نمایش خلاّق بوده است.

فرضیهٔ دوم: نمایش خلاّق موجب افزایش اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.

در جدول ۲، نتایج تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی کودکان بیش‌فعال ارائه‌شده است.

جدول۲. نتایج تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی کودکان بیش‌فعال (N = 30)

شاخص / منبع	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازهٔ اثر
پیش‌آزمون	۰/۳۷۱	۱	۰/۳۷۴	۵/۰۳۲	۰/۰۵۳	۰/۱۵۷
گروه	۹/۰۳۶	۱	۹/۰۳۶	۱۲۱/۵۶۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱۸
خطا	۲/۰۰۷	۲۷	۰/۰۲۰			
مجموع	۲۴۱/۷۹۶	۳۰				
مجموع تصحیح‌شده	۱۶/۰۹۸	۲۹				

همان‌گونه که در جدول۲ مشاهده می‌شود، اثر مداخله (نمایش خلاّق) بر حیطهٔ اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی کودکان بیش‌فعال معنادار است (p=۰/۰۰۱ , f=۱۲۱/۵۶۱). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نمایش خلاّق توانسته است میزان اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی را در کودکان بیش‌فعال

افزایش دهد. همچنین مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که ۸۱ درصد از تغییرات (حیطهٔ اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی) ناشی از متغیر مستقل یعنی نمایش خلاّق بوده است.

فرضیهٔ سوم: نمایش خلاّق موجب افزایش مشارکت در کارهای گروهی در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.

در جدول ۳، نتایج تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ مشارکت در کارهای گروهی کودکان بیش‌فعال ارائه‌شده است.

جدول۳. تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ مشارکت در کارهای گروهی کودکان بیش‌فعال (N = 30)

شاخص / منبع	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازهٔ اثر
پیش‌آزمون	۰/۰۰۳	۱	۰/۰۰۳	۰/۰۲۶	۰/۸۷۴	۰/۰۰۱
گروه	۹/۲۲۲	۱	۹/۲۲۲	۷۱/۲۷۶	۰/۰۰۱	۰/۷۲۵
خطا	۳/۴۹۳	۲۷	۰/۱۲۹			
مجموع	۲۶۰/۴۹۰	۳۰				
مجموع تصحیح‌شده	۱۳/۹۵۶	۲۹				

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، اثر مداخله (نمایش خلاّق) بر حیطهٔ مشارکت در کارهای گروهی کودکان بیش‌فعال معنادار است (p=۰/۰۰۱ ,f=۷۱/۲۷۶). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نمایش خلاّق توانسته است میزان مشارکت در کارهای گروهی را در کودکان بیش‌فعال افزایش دهد. همچنین مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که ۷۲ درصد از تغییرات (حیطهٔ مشارکت در کارهای گروهی) ناشی از متغیر مستقل یعنی نمایش خلاّق بوده است.

فرضیهٔ چهارم: نمایش خلاّق موجب افزایش تعهد به خانواده و دوستان در کودکان دارای اختلال کم-توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود.در جدول ۴، نتایج تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ تعهد به خانواده و دوستان در کودکان بیش‌فعال ارائه‌شده است.

جدول۴. تحلیل کواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ تعهد به خانواده و دوستان در کودکان بیش‌فعال (N = 30)

شاخص / منبع	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازهٔ اثر
پیش‌آزمون	۰/۴۱۴	۱	۰/۴۱۴	۵/۲۴۸	۰/۰۶۰	۰/۱۶۳
گروه	۱۴/۴۳۶	۱	۱۴/۴۳۶	۱۸۲/۹۷۳	۰/۰۰۱	۰/۸۷۱
خطا	۰/۵۴۰	۲۷	۰/۰۷۹			
مجموع	۲۵۳/۲۴۵	۳۰				
مجموع تصحیح‌شده	۱۷/۲۴۴	۲۹				

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، اثر مداخله (نمایش خلاّق) بر حیطهٔ تعهد به خانواده و دوستان در کودکان بیش‌فعال معنادار است (p=۰/۰۰۱ , f=۱۸۲/۹۷۳). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نمایش خلاّق توانسته است میزان تعهد به خانواده و دوستان را در کودکان بیش‌فعال افزایش دهد. همچنین مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که ۸۷ درصد از تغییرات (حیطهٔ تعهد به خانواده و دوستان) ناشی از متغیر مستقل یعنی نمایش خلاّق بوده است.

فرضیهٔ پنجم: نمایش خلاّق موجب افزایش اصل رعایت حقوق دیگران در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی می‌شود. در جدول ۵، نتایج تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ رعایت حقوق دیگران در کودکان بیش‌فعال ارائه‌شده است.

جدول ۵. تحلیل کوواریانس اثرات نمایش خلاّق بر حیطهٔ رعایت حقوق دیگران در کودکان بیش‌فعال (N = 30)

شاخص / منبع	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازهٔ اثر
پیش‌آزمون	۰/۰۹۴	۱	۰/۰۹۴	۰/۹۹۹	۰/۳۲۶	۰/۰۳۶
گروه	۷/۷۹۵	۱	۷/۷۹۵	۸۲/۴۳۷	۰/۰۰۱	۰/۷۵۳
خطا	۲/۵۵۳	۲۷	۰/۰۹۵			
مجموع	۲۶۳/۵۹۲	۳۰				
مجموع تصحیح‌شده	۱۲/۱۲۰	۲۹				

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، اثر مداخله (نمایش خلاّق) بر حیطهٔ رعایت حقوق دیگران در کودکان بیش‌فعال معنادار است (p=۰/۰۰۱ , f=۸۲/۴۳۷). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نمایش خلاّق توانسته است میزان رعایت حقوق دیگران را در کودکان بیش‌فعال افزایش دهد. همچنین مقدار ضریب اتا نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از تغییرات (حیطهٔ رعایت حقوق دیگران) ناشی از متغیر مستقل یعنی نمایش خلاّق بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

تلفیق علمی و منطقی بین هنر و تعلیم‌وتربیت در حوزهٔ آموزش‌وپرورش کودکانِ دارای نیازهای ویژه، یکی از مهم‌ترین برنامه‌های فعالان این حوزهٔ تخصصی است. پژوهش حاضر باهدف بررسی اثربخشی روش نمایش خلاّق بر سازگاری اجتماعی کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی با توسعهٔ منطقهٔ تقریبی رشد به اجرا درآمد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش نمایش خلاّق باعث افزایش سازگاری اجتماعی در کودکان بیش‌فعال/ کم‌توجه می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های مامی همکاران(۱۳۹۵)، جعفری (۱۳۹۱)، اربی و همکاران(۲۰۱۰)، نریمانی و همکاران (۱۳۸۵) و دورودیان (۱۳۹۰) همخوانی داشت. نتایج پژوهش‌های مذکور نیز بیانگر تأثیر روش آموزش نمایش خلاّق بر سازگاری و مهارت‌های اجتماعی است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که نمایش خلاّق ابزاری است که همکاری می‌طلبد، افراد را وامی‌دارد که تجربه‌های خود را در یادگیری نوین به‌کارگیرند، انسان‌ها را وامی‌دارد که درآن‌واحد در دو دنیا زندگی کنند بدون این‌که آن‌ها را در هم بیامیزند، انسان‌ها را به درک مشترک می‌رساند و باعث دقت در ارتباط می‌شود. کودکان دارای اختلال بیش‌فعالی/ کم‌توجهی، توانایی توجه به چیزی که به آن‌ها گفته می‌شود را ندارند، درنتیجه نمی‌توانند تمرکز کنند و تکالیف خود را به‌خوبی انجام دهند و به‌سرعت از فعالیتی به فعالیت دیگر می‌پردازند (عموزاده، حسنوند، هاشمیان،حمایت طلب، ۱۳۹۵). کودکان در نمایش خلاّق، بسیاری از مهارت‌های اجتماعی مانند مشارکت در کار گروهی، رعایت حقوق دیگران، تعهد به خانواده و دوستان، اعتقاد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی را فرامی‌گیرند. می‌توان گفت هیچ شکل هنری به‌اندازهٔ نمایش خلاّق مبتنی بر کار گروهی نیست.

وجود اختلال‌های رفتاری همچون پرخاشگری و عدم تبعیت از قواعد و قوانین در کودکان دارای اختلال بیش‌فعالی/ کم‌توجهی، عمدتاً بر تعامل فرد بیش‌فعال با اعضای خانواده، دوستان و همسالان تأثیر منفی می‌گذارد. اطرافیان با تنبیه کودک تلاش می‌کنند تا توجه و رفتار او را کنترل و روی یک موضوع خاص متمرکز کنند. این امر نه‌تنها مؤثر واقع نمی‌شود، بلکه کودک را خسته و نگران می‌سازد و او را برای مقابله با خواسته‌های اطرافیان، بیش‌ازپیش تحریک می‌کند. بنابراین، نه‌تنها اختلال کودک تخفیف نمی‌یابد، بلکه لجبازی و نافرمانی او بیشتر می‌شود. والدین و معلمان اغلب از ستیزه‌جویی، دعوا، نافرمانی و تخاصم کودک بیش‌فعال شکایت دارند. تحقیقاتی که دربارهٔ رابطهٔ این کودک با همسالان به‌عمل‌آمده است، نشان می‌دهد که کودک بیش‌فعال بیش‌ازحد پرتحرک و پرخاشگر است و کودکان عادی

نظر مساعدی نسبت به او ندارند (کردلو، ۱۳۹۲). بسیاری از این مشکلات را می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های آموزش فنون و مهارت اجتماعی به این کودکان برطرف کرد. نمایش خلاّق را می‌توان یک شیوهٔ اساسی یادگیری برای این کودکان دانست که می‌تواند اهداف آموزشی و تربیتی بی‌شماری را پوشش دهد؛ ازجملهٔ این اهداف می‌توان به یادگیری نقش‌های گوناگون اجتماعی، تعامل گروهی، کسب مهارت‌های ارتباطی، انعطاف‌پذیر شدن، درمان کودکان و کسب عادت‌های مفید در کودکان اشاره کرد. اهداف فوق از طریق فرایند اجرای نمایش خلاّق حاصل می‌شود. در واقع، نمایش خلاّق در الگوی تعاملات بین فردی و مهارت‌های اجتماعی، و درنتیجه بهبود منطقهٔ تقریبی رشد تأثیرگذار است. نظریهٔ منطقهٔ تقریبی رشد ویگوتسکی درروش نمایش خلاّق، اهمیت تعامل اجتماعی را در سازگاری اجتماعی نشان می‌دهد. اصل اساسی در آموزش مبتنی بر منطقهٔ تقریبی رشد در بستر نمایش خلاّق این است که تعاملات اجتماعی، یک‌سویه یا یک‌جهتی نیستند. کودک بیش‌فعال/ کم‌توجه فعالانه در امر ارتباطات اجتماعی با همسالان و مربی مشارکت دارد و به نحوی آن‌ها را به همکاری دعوت می‌کند. مربی نیز سطح راهنمایی و مشارکت هدایتگر خود را با پاسخ-های این کودکان منطبق می‌سازد. در پایان، ذکر این موضوع ضروری است که روش نمایش خلاّق می‌تواند در بهبود سازگاری اجتماعی کودکان دارای اختلال کم‌توجهی/ بیش‌فعالی، روش مناسب و تأثیرگذاری باشد. این روش با توسعهٔ منطقهٔ تقریبی رشد، سازگاری این کودکان را بهبود می‌بخشد، اما برای ایجاد سازگاری پایدارتر باید به‌طور علمی و عملی وارد این مقولهٔ مهم شد و با برنامه‌ریزی و ساماندهی منظم، پژوهش‌های بیشتری در این حوزه انجام داد.

پژوهش حاضر از محدودیت‌هایی برخوردار بود که ازجملهٔ آن‌ها می‌توان به عدم کنترل موقعیت اجتماعی-اقتصادی و عامل هوش آزمودنی‌ها اشاره کرد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، عوامل مذکور و تأثیر احتمالی آن‌ها بر نتایج، موردتوجه قرار گیرد.

همچنین، با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی نمونهٔ آماری با حجم اندک انجام شد، تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد. انجام پژوهش‌های دیگر با حجم نمونهٔ بیشتر می‌تواند به تعمیم‌پذیری و اعتبار یافته‌ها کمک کند.

تشکر و قدردانی

در پایان از تمامی کودکان بیش فعال و خانواده ها و مربیان آنها که صمیمانه در پژوهش حاضر همکاری نمودند، تشکر و قدردانی می کنم.

یادداشت‌ها

1. Attention-deficit/hyperactivity disorder
2. Kolmogorov-smirnov

منابع

آقاعباسی، ی. (۱۳۹۰). *نمایش خلاّق: قصه‌گویی و تئاترهای کودکان و نوجوانان*. تهران: نشر قطره.

امیری، م. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش رفتاری والدین بر بیش-فعالی/تکانشگری و رفتارهای قانون‌شکنانه در کودکان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی. *فصلنامهٔ پژوهش در سلامت روان-شناختی*،۹(۴)،۳۷-۴۹.

بیانلو، ح. (۱۳۸۷). نمایش خلاّق. *ماهنامهٔ رشد معلم*.۱۴.

بهروز، ب.، علی‌آبادی، ش.، یزدخواستی، ف.، و ویسی، س. (۱۳۹۱). مقایسهٔ کودکان دارای اختلال کمبود توجه-بیش‌فعالی و عادی در مقولهٔ هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی. *پژوهش در علوم توانبخشی*،۸(۶)،۱۰۳۲- ۱۰۴۴.

جعفری، ن. (۱۳۹۱). تأثیر نمایش خلاّق بر میزان مهارت‌های اجتماعی کودکان. *مجلهٔ کتاب ماه کودک و نوجوان*، (۱۸۰)،۲۰-۲۷.

جعفری، م. (۱۳۸۹). تأثیر نمایش خلاّق بر رفتار کودکان پیش-دبستانی. *مجلهٔ ابتکار و خلاّقیت در علوم انسانی*،۱(۱) ،۱۰۰-۱۱۱.

چمبرز، د. (۲۰۰۶). *قصه‌گویی و نمایش خلاّق*. (ترجمه ثریا قزل‌ایاغ). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

حکیمی‌راد، ا.، افروز، غ.، به‌پژوه، ا.، غباری‌بناب، ب.، و ارجمندنیا، ع. (۱۳۹۲). اثربخشی برنامه‌های آموزش بازداری پاسخ و حافظهٔ فعال بر بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان با اختلال کاستی توجه و بیش‌فعالی. *مطالعات روان‌شناختی*،۹(۴)،۷۷-۹۶.

دورودیان، ز. (۱۳۹۰). تأثیر روش ایفای نقش بر سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان حساب‌نارسای دبستانی در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ استان تهران. *فصلنامهٔ روانشناسی افراد استثنایی*، ۱(۲).

رشتچی، م. (۱۳۸۹). بررسی نظریهٔ ویگوتسکی از دیدگاه روان‌شناسی و ارتباط آن با مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان. *مجلهٔ تفکر و کودک*، ۱(۱).

سیف، ع. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش*. تهران: دوران.

شلانی، ب.، کرم، ج.، و مومنی، خ. (۱۳۹۵). اثربخشی هنردرمانی با رویکرد نقاشی بر مهارت اجتماعی کودکان دارای اختلال نارسایی توجه/فزون کنشی. *نشریهٔ پرستاری کودک*، ۲(۴)،۱۰-۲۰.

عموزاده، ف.، حسنوند، ص.، هاشمیان،ک.، و حمایت طلب، ر. (۱۳۹۵). مقایسهٔ تأثیر بازی‌درمانی و دارودرمانی بر رشد مهارت‌های حرکتی و دامنهٔ توجه کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی/نقص توجه. *نشریهٔ رفتار حرکتی*،(۲۳)،۹۷-۱۱۰.

عبدی قشلاق، ف.، و پویامنش، ج. (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی نمایش خلاّق بر خلاّقیت کودکان پیش‌دبستانی. *نشریهٔ علوم رفتاری*،۶(۲۲)،۱۰۵-۱۲۱.

قاسمیان، م. (۱۳۸۷). نمایش خلاّق. *ماهنامهٔ رشد معلم*. (۲۲۲)، ۲۲.

کنگرلو، م.، لطفی کاشانی، فر.، و وزیری، ش. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش خانواده در کاهش مشکلات رفتاری کودکان مبتلا به اختلال کمبود توجه و بیش‌فعالی (ADHD). *فصلنامهٔ علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی*،۲۲(۳)، ۲۱۶-۲۲۰.

کاظمی، ا.، نیک‌یار، ح.، و نجفی، م. (۱۳۹۵). اثربخشی بازی‌های کنترل خشم بر علایم رفتاری و خشم کودکان بیش‌فعال/نقص توجه. *مجلهٔ دانشکده پزشکی اصفهان*، ۳۴(۳۸۱)،۴۶۱-۴۶۹.

کوثری، ل.، و علیزاده، ح. (۱۳۸۹). مقایسهٔ مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی و دانش‌آموزان بدون این اختلال در مقطع دبستان. *مطالعات روان-شناختی*،۶(۲۳) ،۱۰۹.

کردلو، م.، اسماعیلی، ز.، و آزادی، ا. (۱۳۹۲). بیش‌فعالی، راهکارهای مطلوب در تعامل با کودکان بیش‌فعال. *نشریهٔ تعلیم و تربیت استثنایی*،(۱۱۷)، ۳۸.

مامی، ش.، و امیریان،ک. (۱۳۹۵). تأثیر نمایش خلاّق بر سازگاری اجتماعی، قضاوت اخلاّقی و خلاّقیت دانش‌آموزان. *آموزش و ارزشیابی*،(۳۶)،۷۵-۹۱.

نریمانی، م.، بیابانگرد، ا.، و رجبی، س. (۱۳۸۵). بررسی کارآمدی روان‌نمایش‌گری بر بهبود مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس دانش‌آموزان نارساخوان، فصلنامه کودکان *استثنایی*، ۶ (۲).

Adıgüzel, H. Ö., & Timuçin, E. (2010). The effect of creative drama on student achievement in the instruction of some development and learning theories. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *9*, 1741-1746.

Barkley, R. A. (2006). *Attention deficit/ hyperactivity disorder: A handbook for diagnosis and treatment* (3rd ed). New York: Guilford Press.

Bayraktar, A. & Okvuran, A. (2012). Improving Student's Writing Through Creative Drama. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *51*, 662-665

Erbay, F. & Doğru, S. S. Y. (2010). The effectiveness of creative drama education on the teaching of social communication skills in mainstreamed students. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *2*(2), 4475-4479.

Nema, S. & Bansal, I. (2015). Correlates of Home Health Social Emotional Adjustment among Adolescence Girls. *International Journal of Scientific and Research Publications*, *5*(2).

Patros, C. H. Alderson, R. M. Hudec, K. L. Tarle, S. J. & Lea, S. E. (2017). Hyperactivity in boys with attention-deficit/hyperactivity disorder: The influence of underlying visuospatial working memory and self-control processes. *Journal of Experimental Child Psychology*, 154, 1-12.

Şengün, Y. & İskenderoğlua, T. (2010). A review of creative drama studies in math education: aim, data collection, data analyses, sample and conclusions of studies. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *9*, 1214-1219.

Saka, A. Ebenezer, J. Çakır, I. & Saka, A. Z. (2016). Pedagogy of Creative Drama in Biology. *Open Journal of Social Sciences*, 4(03), 187.